



نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بعد از ۱۱ سپتامبر

علی اصغر غفاری چراتی^۱

حسن خداوردی^۲

گارینه کشیشیان سبرکی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

چکیده

یکی از موضوعاتی که همواره بر امنیت ملی ایران تاثیرگذار بوده است، حضور نظامی مداخله‌جویانه آمریکا در خلیج فارس است. این کشور امروزه بزرگترین تهدید برون‌منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس بر علیه امنیت ملی ایران می‌باشد. ایران نیز همواره در جهت حفظ و ارتقای توان بازدارندگی خود در قبال حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس تلاش نموده است. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش می‌باشد که نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس چه می‌باشد؟ با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی جهت آزمون فرضیه و روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری برای گردآوری داده‌ها و بهره‌برداری از گزاره‌های نظریه موازنه تهدید، این نتیجه حاصل گردید که جمهوری اسلامی ایران ضمن بهره‌برداری بهینه از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود در منطقه خلیج فارس، با توسعه قدرت دریایی، هوایی، زمینی و موشکی خود در کنار بهره‌برداری از راهبرد جنگ‌های نامتقارن و استفاده از نیروهای نیابتی و همچنین پیگیری دیپلماسی رفاقت با کشورهای منطقه خلیج فارس، به دنبال عملی ساختن استراتژی عدم دسترسی در منطقه خلیج فارس بوده است تا ضمن ایجاد یک موازنه تهدید موثر در برابر تهدیدات حضور نظامی آمریکا، قدرت بازدارندگی خود را در مقابل این کشور به خصوص در عرصه نظامی ارتقا بخشد. اقدامات جمهوری اسلامی ایران باعث تقویت امنیت ملی این کشور و در مقابل چالشی جدی برای حضور موثر نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس گردید.

کلمات کلیدی

جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، خلیج فارس، حضور نظامی، بازدارندگی، موازنه تهدید

۱- گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول) hakhodaverdi@gmail.com

۳- گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

روابط بین‌الملل مطالعه تعاملات میان بازیگران بین‌المللی است که طیف وسیعی از مناسبات مبتنی بر همکاری و مناقشه را در بر می‌گیرد. دولت‌ها برای تأمین منافع مشترک و متقابل خود، گاه در کنار یکدیگر و گاه در مقابل هم قرار می‌گیرند. در طول حداقل پانصد سال اخیر همه دولت‌هایی که در قامت یک بازیگر بین‌المللی ظهور پیدا کرده‌اند، در منطقه خلیج فارس نقش‌آفرین و بر اقدامات یکدیگر اثرگذار بوده‌اند. پایان جنگ سرد موقعیت حیاتی و مهم این منطقه در جهان را دوچندان نمود و حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن تحولات اثرگذار در عرصه بین‌الملل از قبیل حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق، به‌طور فزاینده‌ای بر موقعیت حساس و مهم این منطقه افزوده است.

از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی روند ساخت و توسعه پایگاه‌های هوایی و دریایی آمریکا در جنوب خلیج فارس آغاز و پس از جنگ اول و دوم خلیج فارس تشدید شد. این پایگاه‌ها امروزه کلیه فعل و انفعالات نظامی آمریکا را در منطقه خلیج فارس و حوزه‌های نزدیک اطراف آن پشتیبانی و هدایت می‌کنند. ارتباط تنگاتنگ کشورهای عرب خلیج فارس با آمریکا و انعقاد پیمان‌های متعدد نظامی، وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس و سرزمین‌های مجاور آن، موجب گردیده است که این حوزه به مرکز ثقل نظامی آمریکا در غرب آسیا تبدیل گردد.

سرشت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تا کنون در تقابل ماهوی با آمریکا قرار داشته است. از این‌رو، این کشور همواره درصدد ساختار شکنی از قواعد بازی حاکم بر منطقه غرب آسیا و در راس آن منطقه خلیج فارس بوده است. دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و حضور مستقیم نیروی نظامی این کشور در منطقه خلیج فارس سبب شد تا ایران همواره بر افزایش قدرت نظامی خود در حوزه‌های مختلف، جهت ایجاد بازدارندگی در برابر حضور نیروهای نظامی آمریکا و تأمین امنیت ملی خود در منطقه استراتژیک خلیج فارس اهتمام ورزد.

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش می‌باشد که نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس بعد از ۱۱ سپتامبر چه می‌باشد. در راستای پاسخ به سوال پژوهش، این فرضیه مطرح می‌گردد که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ویژگی‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود و با توجه ویژه به توسعه فناوری‌های نظامی در حوزه‌های مختلف، همواره در صدد بوده است تا با ایجاد موازنه تهدید در منطقه خلیج فارس در مقابل حضور نظامی آمریکا، ضمن دستیابی به یک بازدارندگی، امنیت ملی خود را ارتقا بخشد. در این پژوهش از روش

توصیفی- تحلیلی جهت آزمون فرضیه و روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری جهت گردآوری داده‌ها استفاده گردیده است.

ادبیات پژوهش

امیری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران» به نقش دو نیروی دریایی ارتش و سپاه در ایجاد قدرت بازدارندگی در منطقه اشاره می‌کند. نیروی دریایی سپاه به عنوان یک نیروی دریایی تاکتیکی با انجام نقش‌های نظامی و نظارتی خود، مبنای قدرت سخت در عرصه‌های دریایی پیرامونی ایران و نیروی دریایی ارتش نیز به عنوان یک نیروی دریایی استراتژیک با ایفای نقش دیپلماتیک، زمینه قدرت نرم دریایی در دریاهای دورتر را فراهم ساخته‌اند.

نورانی و آدمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «موازنه تهدید در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا» به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشند که روابط سیاسی ایران و آمریکا در چارچوب نظریه موازنه تهدید چگونه قابل توجیه است؟ با بررسی نظریه موازنه تهدید استفن والت در روابط میان ایران و آمریکا مشخص شد که دو کشور هر چهار وجه تهدید یعنی قدرت، مجاورت، قابلیت تهاجمی و نیت تهاجمی علیه یکدیگر را کاملاً حس کرده و بر این اساس به دنبال ایجاد موازنه در قبال یکدیگر هستند.

عاشوری و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تاکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران» به این موضوع اشاره می‌کنند که راهبرد ایران برای تامین امنیت منطقه خلیج فارس، مشارکت همه کشورهای منطقه و در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی در مقابل تهدیدات قدرت‌های فرامنطقه‌ای به سرکردگی آمریکا است.

گانزینگر و دوگرتی (۲۰۱۱) از پژوهشگران مرکز ارزیابی‌های استراتژیک و بودجه‌ای آمریکا در مقاله‌ای با عنوان «عملیات از برد تا شکست تهدیدات ضد دسترسی و انکار منطقه‌ای ایران» به این موضوع اشاره می‌کنند که ایران پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ به تدریج در حال تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار در روند تحولات منطقه می‌باشد. که می‌تواند تاثیرات مخربی را برای منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس به همراه داشته باشد.

چارچوب نظری

عدم تحقق نظریه «موازنه قوا» علیه آمریکا پس از جنگ سرد، استفن والت^۱ از نظریه‌پردازان مکتب

نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی.../غفاری جراتی، خداوردی و کشیشیان سبرکی

واقع‌گرایی تدافعی نئوکلاسیک را به‌سوی جابجایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی، از «موازنه قدرت^۲»، به «موازنه تهدید^۳» سوق داد. او معتقد بوده است که قدرت‌ها در برابر افزایش قدرت سایرین، دست به موازنه نمی‌زنند. در مقابل، آنچه که باعث می‌شود کشورها به توازن روی آورند، میزان تهدیدی است که درک می‌کنند. (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۷۸) از نظر والت، آنچه تاکنون در عرصه علمی و دانشگاهی تحت عنوان توازن قوا مطرح بوده در عرصه عملی، توازن تهدید بوده است. (Walt, 2000: 401) از این‌رو، وی نظریه «موازنه تهدید» را به عنوان یک اصلاح عمده در مقابل نظریه «موازنه قدرت» کنت والتز مطرح نمود. (دانلی، ۱۳۹۱: ۵۹)

از نظر والت، تهدید عبارت است از، ترکیبی از قدرت دولت، نزدیکی جغرافیایی، توانمندی‌های نظامی و نیات تجاوزکارانه احتمالی آن. پس، صرف قدرت مهم نیست و سایر عوامل نیز مهم‌اند. منظور وی این است که آنچه در روابط میان دولت‌ها حائز اهمیت است، برداشت آنها از یکدیگر به‌عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست موازنه می‌زنند که تهدید فوری نسبت به موجودیت و منافع آنها باشند. (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۵)

عرصه تحلیل سیاست خارجی یکی از مهم‌ترین حیطه‌های پژوهشی روابط بین‌الملل است که بر اساس نظریه‌های مختلف در این حوزه، به تبیین رفتارهای خارجی دولت‌ها می‌پردازد. روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی یکی از پر تنش‌ترین روابط سیاسی در عصر حاضر بوده است. اتخاذ و اجرای هر تصمیم درباره این روابط، منوط به شناخت، توجیه و کاربست نظریه متناسب با آن است. نظریه مناسب خصوصاً درباره نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس سبب می‌گردد تا فضای فکری تصمیم‌گیران جهت اخذ تصمیمات درست در چارچوب مناسبی قرار گیرد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل نگرانی ایران از حضور آمریکا در منطقه خلیج فارس، نه صرفاً به‌واسطه قدرت این کشور، بلکه به واسطه تهدیدی است که این کشور از قدرت تهاجمی، توانمندی نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیات تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا در مناطق پیرامونی خود به خصوص در منطقه استراتژیک خلیج فارس احساس می‌نماید. از این‌رو، در این پژوهش از نظریه موازنه تهدید استفن والت استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد چارچوب تئوریک مناسبی برای تحلیل و واکاوی نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس باشد.

تعریف مفهوم بازدارندگی

بازدارندگی، جلوگیری و ممانعت از رفتار فرد و یا کشوری توسط کشور دیگر از طریق تهدید و اعمال مجازات می‌باشد. (Paul, 1999: 25) به عبارتی، پیش‌گیری از انجام عملی به سبب ترس، وحشت، تهدید

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۶، پائیز ۱۴۰۰

و ترور. و همچنین تحت تاثیر قرار دادن رفتار انسانی به واسطه تهدید اوست. بازدارندگی مستلزم تهدید به استفاده از زور برای جلوگیری از استفاده نیروی قهریه توسط طرف مقابل است. در این روش، عمل متقابل یا تلافی جویانه نقش اساسی دارد. بازدارندگی بین دو دولت عبارت است از قدرت تهدید از ناحیه کشوری علیه کشور دیگر به منظور پیشگیری از آغاز جنگ، به گونه‌ای که در فقدان این قبیل تهدیدها، کشور مزبور بتواند به جنگ مبادرت ورزد. (عسگرخانی، ۱۳۷۷: ۲۰)

بازدارندگی، معادله راهبردی است که بر اساس رابطه تهدید و یا تهدید متقابل شکل می‌گیرد و این تهدید به گونه‌ای دارای اعتبار می‌باشد که باعث خنثی‌سازی حمله و رفتارهای تهاجمی طرف مقابل می‌گردد. (قاسمی و ماله‌میر، ۱۳۹۱: ۱۱۳) اما این روش تنها در چهارچوب قدرت سخت‌افزاری معنایی نمی‌شود. به بیان روشن‌تر، جنبه‌های روانی بازدارندگی نیز بسیار حائز اهمیت هستند. (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۷۷)

اهمیت راهبردی خلیج فارس برای ایالات متحده آمریکا

در تاریخ نوین روابط بین‌الملل، یکی از راهبردهای مهم قدرت بزرگ شدن، راهبرد گسترش منطقه نفوذ بوده است. این راهبرد در روزگار کنونی، تحولات زیادی یافته است. با این حال، در سراسر این دوران، قدرت‌های متوسط برای بدل شدن به قدرت بزرگ، از این راهبرد بهره گرفته‌اند. منطقه نفوذ در سرنوشت سیاسی و اقتصادی یک قدرت بزرگ بسیار مهم است. قدرت‌های بزرگ فرمانطقه‌ای، معمولاً بخش مهمی از قدرتش را از این مناطق به دست می‌آورند. در نتیجه، گسترش منطقه نفوذ، جنبه مهمی از تولید و ارتقای قدرت ملی است. در سیاست بین‌الملل، از این موقعیت برای طی سلسله مراتب قدرت و تقویت سطح قدرت از «قدرت متوسط» به «قدرت میانی» و «قدرت بزرگ» استفاده می‌شود. (فیضی، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۶۸) در این میان، خلیج فارس یکی از مناطقی است که همواره در استراتژی‌های آمریکا از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است. ریچارد نیکسون در رابطه با اهمیت منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز برای آمریکا به لحاظ وجود نفت می‌نویسد: «دسترسی به نفت خلیج فارس برای غرب جنبه حیاتی دارد و اگر ما بگذاریم قیمت ارزان نفت امروز چشم ما را در مقابل این واقعیت که به واردات نفت از خاورمیانه وابسته‌ایم، ببندد اشتباه مهلکی مرتکب خواهیم شد. بدون واردات نفتی از خلیج فارس، اقتصاد آزاد متمدن ما نابود خواهد شد.» (نیکسون، ۱۳۶۸: ۱۳۱-۱۳۲) یکی از علایق اقتصادی آمریکا در منطقه خلیج فارس، سرمایه‌گذاری دلارهای مازاد نفتی کشورهای عرب منطقه در بلوک غرب و به خصوص آمریکا می‌باشد. که از این طریق کمک مؤثری به رشد اقتصادی و شکوفایی غرب و آمریکا می‌کنند. (اسدیان، ۱۳۸۱: ۳۸) دولت آمریکا پنج هدف عمده را در حوزه خلیج فارس تعقیب می‌کند:

نقش جمهوری اسلامی ایران در یازداندگی حضور نظامی.../غفاری جراتی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

- تأمین جریان صدور آزاد نفت به بازار جهانی؛
- تأمین امنیت رژیم‌های دوست و تقویت روابط آنها شامل عربستان، کویت، امارات، بحرین، قطر و عمان و جلوگیری از زمینه‌های بروز ناامنی در آنها؛
- جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی که از نظر آمریکایی‌ها دو دولت ایران و عراق (دوره رژیم بعثی)، مستمراً برای دستیابی به آن تلاش کرده‌اند؛
- تقویت روند اصلاحات و دموکراسی در رژیم‌های منطقه؛
- مبارزه با تروریسم پس از حوادث یازده سپتامبر. (بزرگمهری، ۱۳۸۳: ۲۴۰)

متغیرهای تهدیدزای ایران از جانب آمریکا بر مبنای نظریه موازنه تهدید

جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، تلاش نموده است با استفاده از راهبردهای متعدد، تهدید ایالات متحده آمریکا فراروی امنیت ملی خود را خنثی نموده و در مقابل موجودیت و بقای خود را حفظ نماید. با توجه به آنچه که استفن والت در نظریه موازنه تهدید مطرح کرده است به بررسی متغیرهای تهدیدزای فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از جانب آمریکا می‌پردازیم.

○ قدرت: آمریکا در بُعد نظامی برترین قدرت نظامی جهان است. بودجه نظامی این کشور در سال ۲۰۱۹ رقمی حدود ۶۹۵ میلیارد دلار بوده است. همچنین آمریکا یکی از بالاترین منابع طبیعی را داراست. هزاران هکتار زمین حاصلخیز، مقدار بسیار زیاد آب شیرین، منابع نفتی فراوان، زغال سنگ و گاز طبیعی، وجود دو خط ساحلی بزرگ برای تجارت، همچنین برخورداری از سیستم سیاسی، پولی و زبانی واحد، از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت آمریکا می‌باشند. (Amadeo, 2019: 16)

○ نزدیکی جغرافیایی: فاصله ایران و آمریکا از لحاظ جغرافیایی حدود ۱۱ هزار کیلومتر مربع است و این فاصله در ظاهر یکی از چهار مولفه تهدید آمریکا علیه ایران را از بین می‌برد. اما آمریکا در غرب و جنوب غرب آسیا و در اکثر کشورهای همسایه ایران پایگاه‌های نظامی متعدد داشته و عملاً دو کشور حداقل از لحاظ نظامی همسایه یکدیگر هستند و همین امر منجر به تقویت مولفه نزدیکی جغرافیایی به عنوان یکی از مولفه‌های تهدید این کشور بر علیه ایران شده است. (The Heritage Foundation, 2019)

○ قابلیت تهاجمی: درباره قابلیت تهاجمی آمریکا باید گفت که نیروی نظامی این کشور اساساً یک نیروی تهاجمی است و در شرایط فعلی به عنوان قدرتمندترین نیروی نظامی در سطح جهان شناخته می‌شود. (آدمی و نورانی، ۱۳۹۸: ۱۲۹)

○ نیات تهاجمی: ریشه نگرش بی‌اعتمادی ایرانیان نسبت به نیات خصمانه آمریکا به کودتای سال ۱۳۳۲ در ایران باز می‌گردد. با نقشی که آمریکا در کودتا علیه دولت مصدق داشت، چهره آزادی‌خواهی که در اذهان مردم و غالب نخبگان ایران از آمریکا ترسیم شده بود از میان رفت و ایرانیان، آمریکا را کشوری استعمارگر و سلطه‌گر دانستند. این کودتا چنان تاثیر منفی در ایران به جا گذاشت که رهبران ایران بعد از گذشت بیش از چند دهه، از آن واقعه به عنوان یکی از ملاک‌های اصلی بی‌اعتمادی ایرانیان به نیات آمریکا یاد می‌کنند. (آدمی و نورانی، ۱۳۹۸: ۱۳۱)

اهمیت راهبردی خلیج فارس برای ایران از منظر موازنه تهدید

خلیج فارس به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، از حساس‌ترین و با اهمیت‌ترین مناطق جهان است. وجود پایگاه‌های متعدد نظامی اعم از دریایی، هوایی و زمینی در منطقه خلیج فارس که اغلب متعلق به ایالات متحده آمریکا هستند و همچنین حضور ناوهای جنگی کشورهای غربی به خصوص آمریکا در آب‌های خلیج فارس، اهمیت نظامی و راهبردی خلیج فارس را بیش از پیش نمایان می‌سازد. این اهمیت به طور ویژه در جریان جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج فارس و جنگ عراق آشکار شد. این اهمیت تا حد زیادی ریشه در موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی منطقه و روابط ابرقدرت‌ها دارد. (کریمی، ۱۳۹۳: ۶۴)

علاوه بر تهدیدات مستقیم ناشی از سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به ویژه ایالات متحده آمریکا، همراهی کشورهای منطقه با آمریکا و رقابت‌های این کشورها با ایران، بر سر دستیابی به جایگاه برتر در منطقه، تهدیدات زیادی را فراروی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. (اکرمی‌نیا، ۱۳۹۲: ۹۲)

این منطقه به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های راهبردی در ساختار ژئوپلیتیک نظام جهانی و همچنین کانون محیط راهبردی و شبکه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارای ویژگی‌هایی است که تاثیر مستقیمی بر گونه‌بندی نظام بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر علیه آمریکا دارد. به عبارتی روشن، حلقه خلیج فارس و ویژگی‌های آن تاثیر مستقیمی بر نوع بازدارندگی ایران در حوزه شبکه منطقه‌ای خود دارد. خلیج فارس در درون خود عناصری دارد که به رابطه تهدید، آن هم به نفع نظام راهبردی ایران شکل می‌دهد و از آن طریق می‌توان به طراحی نظام بازدارندگی کارآمد شکل بخشید. از این منظر مهم‌ترین ویژگی‌های خلیج فارس عبارتند از:

○ توانایی تولید و عرضه منابع مورد نیاز نظام جهانی و قطب تولید انرژی جهان بودن؛

نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی.../غفاری جراتی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

- ویژگی‌های ارتباطی خلیج فارس و به عبارتی کارکرد ارتباطی پیوندی خلیج فارس با سایر حلقه‌های موجود در سازه فیزیکی نظام جهانی ؛
- عناصر ژئوپلیتیک خلیج فارس به عنوان ایفا کننده نقش تهدید و فرصت راهبردی در نظام بازدارندگی؛

- قرار گرفتن متحدان راهبردی قدرت مداخله‌گر آمریکا در منطقه و آسیب‌پذیری شدید آنها در برابر تهدیدهای‌های راهبردی قدرت منطقه‌ای ایران. (قاسمی و ماله‌میر، ۱۳۹۱: ۱۱۳)

مولفه‌های قدرت بازدارندگی ایران در منطقه خلیج فارس بر پایه دکترین ضد دسترسی

در سال‌های بعد از جنگ تحمیلی و با توسعه قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و با در نظر گرفتن شاخصه‌های جغرافیایی و ژئواستراتژیک مناطق مختلف این کشور و در مقابل، بحث افزایش حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در خلیج فارس و دیگر حوزه‌های پیرامونی ایران، استراتژی ایجاد محدودیت برای تعرض و مانور قدرت نیروهای بیگانه بخصوص ایالات متحده آمریکا، که به عنوان «دکترین ضد دسترسی»^۴ نیز مطرح می‌شود، در دستور کار فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. (www.mashreghnews.ir) این استراتژی می‌تواند توانایی مانور نیروهای نظامی آمریکا را در حوزه‌های عملیاتی هوایی، دریایی، زیردریایی، فضایی و فضای سایبری محدود نماید.

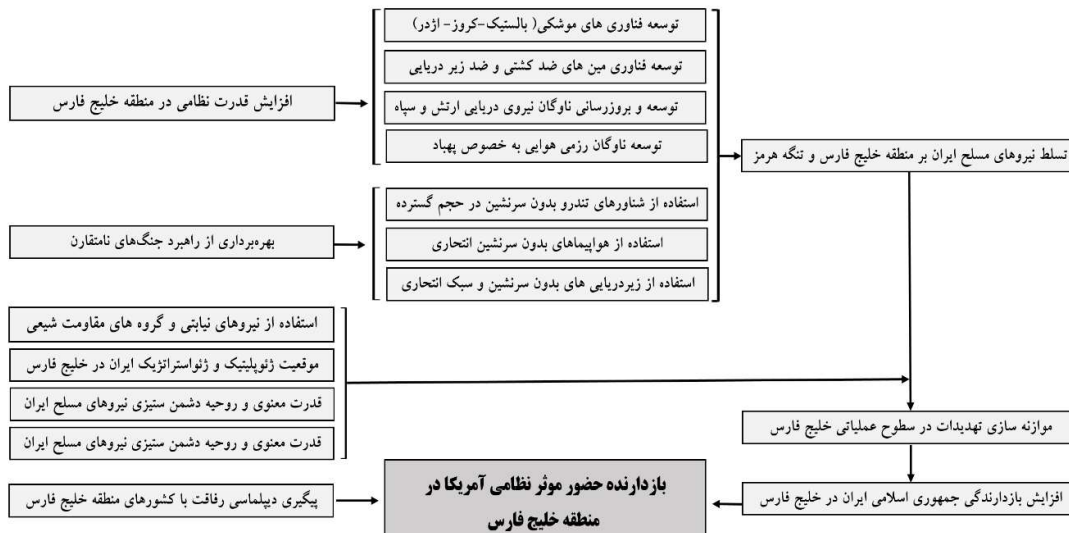
مرکز ارزیابی‌های استراتژیک و بودجه‌ای آمریکا^۵ در گزارشی مفصل، استراتژی‌های ضد دسترسی ایران در منطقه خلیج فارس را بررسی کرده و این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که: «وزارت دفاع آمریکا باید با تدوین و سرمایه‌گذاری در توانمندی‌های نوین، خود را با شرایط نظامی در حال تغییر منطقه خلیج فارس تطبیق دهد. این گزارش می‌افزاید: پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ و زمانی که برنامه‌ریزی آمریکا برای حضور در منطقه تسریع شد، فرماندهان آمریکایی، دسترسی سهل‌الوصولی به پایگاه‌های هوایی و دریایی بزرگ و مدرن در کشورهای عربی منطقه خلیج فارس داشته‌اند. در زمان جنگ اول خلیج فارس، این پایگاه‌های مدرن، آمریکا را قادر ساختند که به سرعت پانصد هزار سرباز و تفنگدار دریایی را به مرز کویت گسیل کند، هزاران هواپیمای پشتیبانی و تهاجمی را به پایگاه‌های نزدیک خط مقدم اعزام نماید و شش گروه رزمی ناو هواپیمابر را به خلیج فارس و دریای سرخ بفرستد. از زمان فروپاشی شوروی نیز، نیروهای آمریکایی توانسته‌اند قدرت خود را در آن سوی دریاهای عمل نمایند و در این مدت تنها تعداد معدودی چالش جدی در برابر آزادی عمل این نیروها پدید آمده است. احتمالاً این «دوره طلایی» برای اعمال قدرت آمریکا به پایان خود نزدیک می‌شود. توانایی فزاینده ایران برای حمله به متحدین آمریکا در خلیج فارس، یا منجر به توقف عملیات‌های دریایی و هوایی آینده آمریکا در این پایگاه‌های خط

مقدم شده و یا رهبران این کشورها را مجبور خواهد ساخت که از دسترسی نیروهای آمریکا در بحران‌های آتی به این پایگاه‌ها جلوگیری نمایند. دسترسی ایران به تسلیحاتی که می‌تواند در راستای انکار دسترسی به خلیج فارس، کنترل جریان نفت و گاز از منطقه و اعمال اجبار و زور به سایر کشورها به کار رود، نگرانی‌های عمیقی برای آمریکا و هم‌پیمانان امنیتی آن ایجاد نموده به طوری که می‌توانند در جهت بازدارندگی، تأخیر یا جلوگیری از اجرای مؤثر عملیات‌ها در منطقه خلیج فارس به کار روند.» (Gunzinger & Dougherty, 2011)

جمهوری اسلامی ایران فرصت بسیاری داشته است تا در چند دهه گذشته شیوه و روش جنگیدن نیروهای آمریکایی را بررسی و تجزیه و تحلیل نماید و بدین نتیجه برسد که اجازه دادن به آمریکا و متحدین این کشور برای متمرکز ساختن نیروها و تجهیزات نظامی و تسلیحاتی در کشورهای همسایه ایران و در جوار مرزهای سرزمینی‌اش، نسخه‌ای جز شکست برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان نخواهد آورد. بنابراین، فرماندهان و نخبگان نظامی این کشور با پیگیری استراتژی ضد دسترسی، به دنبال تمهیداتی هستند تا از دسترسی نیروهای نظامی آمریکا به پایگاه‌های نزدیک، به خصوص در منطقه خلیج فارس جلوگیری کرده و عملیات‌های سنتی اعمال قدرت آمریکا در این منطقه استراتژیک را تبدیل به یک پدیده پرهزینه برای آمریکا نمایند.

مهم‌ترین توانمندی‌های جمهوری اسلامی ایران در ایجاد بازدارندگی نظامی بر علیه حضور مؤثر نیروهای ارتش آمریکا در منطقه خلیج فارس را با توجه به پیگیری استراتژی عدم دسترسی، می‌توان در پنج گروه اصلی به شرح مدل تحلیلی ذیل طبقه‌بندی نمود:

نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی.../غفاری جراتی، خداوردی و کشیشیان سبرکی



مدل تحلیلی ۱: مولفه‌های قدرت بازدارندگی ایران در منطقه خلیج فارس بر پایه دکترین ضد دسترسی

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در خلیج فارس

جمهوری اسلامی ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد و در واقع ایران می‌تواند به عنوان کشوری با ظرفیت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی اطراف خودش حضور داشته باشد. و در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی و کارکردهای آن نقش موثری داشته باشد و فرآیند سیاسی این حوزه‌ها را شکل دهد. از این‌رو، آمریکا برای تثبیت موقعیت منطقه‌ای خود در خلیج فارس و حفظ منافع حیاتی خود نمی‌تواند ایران را در برنامه‌ریزی‌هایش نادیده بگیرد. (کریمی، ۱۳۹۳: ۶۴)

از طرفی، کشف ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیز احتیاج و نیاز ضروری جهان صنعتی به این منابع، موجب تردد هر روزه تعداد زیادی شناور حامل مواد سوختی از خلیج فارس و تنگه هرمز شده است و همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است، به‌گونه‌ای که تعامل و انطباق موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در این منطقه، کشور ایران را به یکی از نواحی پراهمیت جهان بدل کرده است. (پیری سارمانلو، ۱۳۹۴: ۸)

قدرت معنوی و روحیه مقاومتی و دشمن ستیزی نیروهای مسلح ایران

مقابله به مثل‌های انجام شده توسط نیروی دریایی ایران در مقابل قلدرمایی‌های آمریکا و هم پیمانانش در جریان جنگ نفتکش‌ها و عملیات انجام شده توسط پایگاه دریایی اروندکنار که منجر به محاصره ناو کارناوال انگلیسی و تسلیم ملوان و تفنگداران دریایی این کشور شد، نشانگر روحیه بالا و دشمن ستیزی فرماندهان و کارکنان فداکار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. (کریمی، ۱۳۹۳: ۷۱)

دستگیری نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس در خلیج فارس، ثبت رفتارهای دریایی اعضای ناتو در خلیج فارس و هشدار به نیروی دریایی آمریکا در نتیجه رفتارهای غیرحرفه‌ای و نزدیک شدن به آب‌های ایران، مجموعه پیام‌های تهدیدآمیزی است که اعتبار بازدارندگی قدرت جمهوری اسلامی ایران را بر اساس موازنه تهدید در خلیج فارس افزایش داده است. (عباسی خوشکار، ۱۴۰۰) این اقدامات به عنوان عاملی برتر ساز، موجب عقب‌نشینی نیروهای نظامی آمریکا و هم پیمانانش از تعدی به حریم آبهای سرزمینی ایران خواهد شد و در هر نبردی در آینده نیز یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های هر متجاوز به حریم امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

افزایش قدرت نظامی ایران در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز

منطقه خلیج فارس و تنگه استراتژیک هرمز به عنوان گلوگاه انرژی جهان و جغرافیای ویژه آن، مجموعه شرایطی را ایجاد می‌نماید که برای مقابله با تهدیدات آینده در صحنه نبرد دریایی می‌تواند فرصت‌ساز نیز باشند. در این ارتباط، داشتن توان نظامی برتر و تاثیرگذار به خصوص در حوزه دریایی و تجهیزات دفاعی و تهاجمی بازدارنده که اقتصاد و سیاست بین‌الملل را متاثر می‌سازد و ضمن بازدارندگی در مقابل ایالات متحده آمریکا، به نوعی تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز به حساب می‌آید.

از آنجا که ایران بزرگترین و نیرومندترین کشور خلیج فارس است و بیشترین گستره جغرافیایی و مواضع حفاظتی را در این منطقه دارد، تنگه هرمز نیز برای آن از اهمیت بسیاری برخوردار است و در حقیقت دروازه ارتباط ایران با جهان و منطقه شمرده می‌شود. ایران برای اعمال بیشترین نظارت بر تنگه هرمز به بهره‌گیری از جزایر شش‌گانه خود در این تنگه توجه دارد و بر همه رفت و آمدهای دریایی از آن نیز نظارت می‌کند. اهمیت سوق‌الجیشی تنگه هرمز و موقعیت ایران، در روابط سیاسی ایران با کشورهای صادر کننده نفت و گاز خلیج فارس از یک سو و با کشورهای مصرف کننده نفت و گاز از سوی دیگر می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد. (عاشوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۰۱)

نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی.../غفاری جراتی، خداوردی و کشیشیان سبرکی

توسعه و بروزرسانی ناوگان رزمی دریایی ارتش و سپاه پاسداران

نیروی دریایی همواره یکی از پایه‌های اصلی قدرت دریایی کشورها بوده است. ایران از قدیمی‌ترین کشورهایی است که دارای نیروی دریایی بوده و برای رسیدن به اهداف خود از آن استفاده کرده است. تحلیل عملکرد و سازماندهی مجدد نیروی دریایی ایران در سنوات گذشته و تعریف نیروی دریایی راهبردی، حکایت از توان دریایی ایران برای افزایش قدرت سخت و نرم و در نهایت قدرت هوشمند ایران از طریق نیروی دریایی تاکتیکی (نیروی دریایی سپاه) و راهبردی (نیروی دریایی ارتش) دارد. از یک طرف نیروی دریایی سپاه با داشتن نقش‌های نظارتی و نظامی در محیط‌های دریایی بلافصل ایران با تکیه بر نوع تجهیزات نظامی در اختیار و داشتن استراتژی ترکیبی دفاعی-تهاجمی از آمادگی بالایی برای اعمال زور و اجبار در صورت امکان و تهدید برخوردار است و از سوی دیگر، حضور نیروی دریایی راهبردی ارتش در آب‌های فراساحلی، با افزایش قدرت بازدارندگی نظامی خود، تهدیدات را با تهدید در فواصل بسیار دورتر از آب‌های سرزمینی جمهوری اسلامی ایران دفع می‌نماید و همچنین با ایفای نقش دیپلماتیک خود در آب‌های فراساحلی و بخشی از آب‌های ساحلی، زمینه اعمال قدرت نرم ایران را نیز فراهم می‌سازد که در بستر انجام انواع دیپلماسی دریایی و کمک‌های بشر دوستانه انجام می‌گیرد. (امیری، ۱۳۹۹: ۱۷۷) از ترکیب این دو نیروی دریایی تاکتیکی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، قدرت دریایی هوشمند این کشور شکل گرفته که می‌تواند قدرتی بازدارنده در مقابل حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس باشد.

مقام معظم رهبری، تقویت توانمندی‌های دفاعی را در تمامی ابعاد بدون محدودیت طی دهه‌های گذشته مطرح کرده‌اند. با توجه به حضور فضای عملیات نظامی در آب‌های مرزی برای حضور نیروی دریایی آمریکا و متحدین راهبردی آن و همچنین وجود تهدیدات دریایی مستمر در خلیج فارس، تقویت توانمندی‌های دریایی در دستور کار نیروی دریایی ارتش و سپاه قرار گرفته است. در سه سطح توانمندی‌های هم سطح، زیرسطح و فراسطح، رصد و نظارت تحولات نظامی و حمل و نقل در خلیج فارس توسط نیروهای نظامی ایران دنبال می‌شود. بر اساس ارزیابی سایت فایرپاور در حوزه دریایی در زمینه دارایی‌های دریایی از بین ۱۴۰ کشور، جمهوری اسلامی ایران در رتبه ۶ قرار دارد. ایران با ۲۹ زیردریایی در این حوزه در رتبه ۵ رده بندی جهان قرار دارد. در چهار سال گذشته بیش از ۱۱۰ فروند شناور تندرو، سطحی و زیرسطحی تحویل نیروهای دریایی شده است. تعداد ۱۲ فروند شناور ۶۰ فوتی حیدر به نیروی دریایی ارتش تحویل شده که بیش از دو برابر تعداد تحویلی در دوره مشابه قبل بوده است. با ساخت زیردریایی فاتح، حضور ایران در عرصه ساخت زیردریایی‌های بزرگ فراهم شده است. ساخت زیردریایی

بزرگ بعثت با وزن ۱۲۰۰ تن در سال‌های آینده سبب تقویت حضور زیرسطحی ایران در خلیج فارس و دریای خزر خواهد شد. در دفاع هم سطح، حضور ناوهای سنگین و نیمه سنگین در کنار قایق‌های موشک‌انداز تندرو به تعادل تهاجمی نیروهای دریایی افزوده است. ناوهای جماران و سپند محصول کارخانجات دریایی جنوب و ناو دماوند در مجتمع صنایع دریایی شهید تمجیدی در انزلی ساخته شد. در همین چهارچوب نخستین ناوبندر نیروی دریایی ارتش، با نام «مکران» به ناوگان جنوب این نیرو ملحق شده است. ناوبندر مکران از جدیدترین شناورهای ارتش جمهوری اسلامی ایران است که در سال ۱۴۰۰ به نیروی دریایی پیوست. با در اختیار گرفتن این ناو بندر، گام مهمی در جهت انجام ماموریت‌های دریایی برداشته شده است. احداث پایگاه‌های دریایی بندرعباس، بوشهر، خرمشهر، لارک، سیری و ابوموسی در منطقه خلیج فارس به تقویت بازوی اطلاعاتی و لجستیکی بازدارندگی دریایی جمهوری اسلامی ایران کمک کرده است. (عباسی و خوشکار، ۱۴۰۰)

توسعه ناوگان رزمی هوایی به خصوص هواپیماهای پیشرفته بدون سرنشین

سامانه‌های جنگی آینده که بازوی تهاجمی ارتش‌ها در دهه‌های آتی خواهد بود، شبکه‌های متشکل از سامانه‌های سرنشین‌دار و بدون سرنشین است که در یک شبکه ارتباطی دیجیتال به هم گره خورده‌اند. این سامانه‌ها بخش عمده‌ای از جنگ را بر عهده خواهند داشت. (حبیبی، ۱۳۹۱: ۴۶۶) از این‌رو، در محیط سیاسی ناپایدار و سیال امروزی جهان و در این فضای به‌شدت تغییرپذیر و نامطمئن، تدوین راهبردها برای افزایش توان رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در جنگ‌های آینده مبتنی بر تکامل اندیشه‌های نظامی، تاکتیک‌ها و فن‌آوری پیشرفته، یک ضرورت ملی و حتمی است. امروزه یکی از عوامل مهم در جنگ‌ها، کاهش هزینه‌های مالی و صرفه‌جویی در نیروی انسانی می‌باشد که روز به روز بر اهمیت آن نیز افزوده می‌شود. یکی از اقداماتی که در راستای نیل به این هدف بزرگ صورت گرفته است ساخت و به‌کارگیری هواپیماهای بدون سرنشین می‌باشد. (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۳)

به طور قطع یکی از محورهای کارساز در راهبردهای نظامی برای رسیدن به بازدارندگی، افزایش توان رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است. توان رزمی و قدرت رزمی، قدرتی است که در اختیار فرماندهان نظامی بوده که می‌توانند از این قدرت و توان برای از بین بردن دشمن و انجام ماموریت در میدان رزم استفاده نمایند. این قدرت شامل عوامل فیزیکی (محسوس)، غیرفیزیکی (نامحسوس) و عوامل برترساز می‌باشند. در همین راستا صنعت هوایی و شاخه پهپادها که در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران پیشرفت‌های چشمگیری را در این زمینه داشته است، می‌تواند بر سطح بازدارندگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده و آنها را برای رسیدن به جایگاهی بالاتر ارتقا دهد. (رستمی، ۱۳۸۷: ۱۳۸۷)

نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی.../غفاری جراتی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

۲۸۹) نقش بسیار مهم پهپادها در تعیین سرنوشت جنگ‌ها و نبردهای آینده، فرماندهان نظامی ایران را بر آن داشته است که نگاهی ویژه و خاص به این‌گونه پرنده‌ها داشته باشند. به‌گونه‌ای که تولید، ساخت و یا بهینه‌سازی این محصولات شتاب خاصی نسبت به گذشته به خود گرفته و در سال‌های آینده نیز اهمیت این پرنده‌های ارزشمند چند برابر خواهد شد. بنابراین می‌توان جهت افزایش قدرت هوایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، بهره‌برداری از آنها را توسعه داد. (طالبی، ۱۳۹۴: ۲)

توسعه فناوری‌های موشکی

نگرانی ارتش ایالات متحده آمریکا مستقر در منطقه خلیج فارس، بیش از آنکه موشک‌های بالستیک و دوربرد ایران باشد، موشک‌های با برد کوتاه و سبک از انواع مختلف و بسیار پیشرفته است که آنها را می‌توان بر روی هر شناور در حال حرکت و یا در کنار ساحل نصب نمود. از دیگر تسلیحات جمهوری اسلامی ایران از دره‌هایی است که آنها را می‌توان از عرشه هر نوع کشتی و زیردریایی شلیک کرد، که بسیار هم خطرناک می‌باشند. زیرا کشف، موقعیت‌یابی و ردیابی آنها برای سامانه‌های راداری ایالات متحده آمریکا مستقر در منطقه خلیج فارس بسیار دشوار خواهد بود.

توسعه فناوری مین‌های ضد کشتی و ضد زیر دریایی

مین‌های دریایی را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین اما مرسوم‌ترین تسلیحات در رزم دریایی به حساب آورد که همچنان در خدمت بسیاری از نیروهای دریایی جهان بوده و با توجه به فناوری‌های روز، ارتقاء نیز پیدا کرده‌اند. مین‌ها با توجه به نوع و نحوه استفاده و کار گذاشتن آنها می‌توانند در مناطقی مثل آب‌های بسیار کم عمق ساحلی تا آب‌های عمیق اقیانوس‌ها مورد استفاده قرار گرفته و هم برای حمله به شناورهای سطحی و هم زیر سطحی مورد استفاده قرار گیرند. (www.mashreghnews.ir) بکارگیری مین‌های دریایی جهت مقابله با شناورهای سطحی و زیرسطحی، یکی از بخش‌های مختلف از پازل استراتژی عدم دسترسی توسط جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس می‌باشند. جمهوری اسلامی ایران انبار حجیمی از مین ضدکشتی در اختیار دارد. کشف و خنثی کردن این‌ها می‌تواند برای نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا یک دردسر بسیار بزرگ ایجاد کند. دکترین اصلی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران جلوگیری از بروز درگیری بر پایه بازدارندگی دفاعی است و طبیعتاً مین‌های پنهان در زیر آب‌های خلیج فارس صرفاً یک سیگنال و اخطار به بیگانگان است.

بهره‌برداری از راهبرد جنگ‌های نامتقارن

استفاده از شناورهای سبک تندرو، زیردریایی سبک بدون سرنشین و پهپادهای انتحاری از جمله

راهبردهای جنگ نامتقارن جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بر علیه ناوهای رزمی ایالات متحده آمریکا در این مناطق می‌باشد. استفاده از تعداد بسیار زیادی از این تجهیزات می‌تواند امنیت یک ناو جنگی را به خطر بیندازد. عدم اطمینان مسئولان آمریکا از چگونگی عملکرد ایران پس از شروع جنگ در کنار بهره‌برداری ایران از شیوه‌های متنوع جنگ‌های نامتقارن می‌تواند بر تبعات ویرانگر اقدامات ایران بر علیه ارتش آمریکا در منطقه خلیج فارس بی‌افزاید. نتایج حاصل از یک رزمایش آمریکا در دوران ریاست رامسفلد بر وزارت دفاع آمریکا که به نوعی شبیه‌سازی وقوع جنگ در خلیج فارس بوده است بسیار نگران‌کننده و زنگ خطر جدی برای ارتش آمریکا بوده است. چون در پایان این رزمایش مشخص گردید که اگر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بتوانند به طور موثر از تمام روش‌های جنگ نامنظم استفاده کنند، می‌توانند ضربه‌های بسیار سنگینی را به پیکره ارتش آمریکا مستقر در منطقه خلیج فارس چه در عرصه شناوری و چه در عرصه حضور در پایگاه‌های نظامی این کشور در خاک کشورهای عربی منطقه خلیج فارس وارد نمایند.

استفاده از نیروهای نیابتی و گروه‌های مقاومت شیعی

در صورت افزایش تنش میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، ایران می‌تواند شبکه‌های گروه‌های نیابتی شیعه تحت فرمان خود در سراسر منطقه غرب و جنوب غربی آسیا، برای دامن زدن به شورش در کشورهایی که هم‌راستا با آمریکا باقی مانده‌اند، بسیج نماید. اگر ایران عوامل نیابتی خود را مجهز به تسلیحات پیشرفته و مخرب نماید، این گروه‌ها می‌توانند بسیار خطرناک شوند. گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق، انصارالله یمن و دیگر گروه‌های مقاومت منطقه می‌توانند کمپین‌هایی را با هدف گسترش بحران برگزار کرده و نواحی عقب ارتش آمریکا و حتی فضای سرزمینی آمریکا را با خطرات جدی مواجه نمایند.

در واقع این تهدید عبارت است از توانایی و قدرتی که ایران سال‌ها به دنبال آن بوده تا از طریق ایجاد عوامل نیابتی غیردولتی و محلی و به کارگیری آنها، نفوذ و دسترسی خود را در سراسر منطقه خاورمیانه افزایش دهد و هم‌زمان با این امر ثبات داخلی متحدان و شرکای اصلی آمریکا را در خاورمیانه تضعیف کند. هواپیماهای پنهانکار یا رادار گریز و همچنین سامانه‌های دفاع موشکی، بازدارنده‌ای بسیار قدرتمند در برابر توانایی‌های نظامی متعارف ایران هستند، اما این تجهیزات و سامانه‌ها نمی‌توانند با تهدیدات نامتقارن ایران مقابله کنند. (لطفی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۵۴)

نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی.../غفاری جراتی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

بُعد روانی و ادراکی اقدامات ایران در خلیج فارس

یکی از مهم‌ترین اجزای بازدارندگی موفق، بُعد روانی و ادراکی آن است. انتقال پیام تهدیدآمیز به رقبای راهبردی، در صورت افزایش سطح تهدیدات و معتبرسازی تهدیدات، مهم‌ترین کارکرد باورپذیری در بازدارندگی جامع را تشکیل می‌دهند. (عباسی خوشکار، ۱۴۰۰) ترس از حمله نظامی جمهوری اسلامی ایران به کشورهای همسایه میزبان نیروهای نظامی آمریکا در منطقه به خصوص در کشورهای عربی منطقه خلیج فارس، می‌تواند اثر روان‌شناختی و سیاسی بسیار چشم‌گیری بر دولت‌های منطقه داشته باشد. تجربه اقدامات ایران در به اسارت گرفتن نیروهای نظامی آمریکایی و انگلیسی در منطقه خلیج فارس و وحشت نیروهای ویژه آمریکایی از نیروهای مسلح ایران به خصوص سپاه پاسداران، خود عاملی بسیار بازدارنده در مقابل اقدامات نیروهای نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس می‌باشد.

پیگیری دیپلماسی رفاقت با کشورهای همسایه خلیج فارس

با توجه به سهم زیاد ایران در منطقه خلیج فارس، بهترین راه‌کاری که می‌تواند ایران را از مخمصه انزوایی که آمریکا به دنبال آن است، رها سازد، برقراری روابط دوستانه با کشورهای عربی منطقه خلیج فارس است. روابط دوستانه با این کشورها منجر به فضای اعتمادساز بین دولت‌های منطقه با ایران می‌شود، اعتماد میان دولت‌ها به درک اشتراکات منافع و خطر تهدیدات مشترک می‌انجامد، و این درک به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز پیمان امنیت دسته‌جمعی باشد. دست یافتن به زمینه‌های مشترک یک پیمان امنیت دسته‌جمعی، باعث برقراری امنیت توسط کشورهای منطقه و ناکارآمد شدن عوامل خارجی نظیر ایالات متحده آمریکا در منطقه می‌شود. با توجه به عامل جغرافیایی، اقتصادی و استراتژیک مشترک میان همه کشورهای منطقه خلیج فارس، منطقی‌ترین نظام برای پاسداری از امنیت منطقه، سیستمی خواهد بود که همه کشورهای منطقه خلیج فارس را بدون شرکت هیچ کشور بیگانه‌ای در برگیرد. (پیری سارمانلو، ۱۳۹۴: ۱۲)

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان کشوری با موقعیت راهبردی در دنیای معاصر، همواره در معرض انبوهی از تهدیدات در سطوح فروملی، ملی و فراملی بوده است. آنچه بیش از هر چیز دیگر برای تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران لازم به نظر می‌رسد، توجه ویژه به شناسایی، اولویت‌بندی و احصای تهدیدات امنیت ملی کشور و تلاش در جهت مقابله با این تهدیدات و بازدارندگی در قبال آنها می‌باشد. در این میان، یکی از موضوعاتی که همواره بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار بوده است،

حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس می باشد. این منطقه بنا به موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، همواره مورد توجه این کشور بوده است. امروزه این منطقه به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق جهان، نقش به‌سزایی در تولید انرژی جهان ایفا می‌کند. بنابراین تلاش برای اعمال نفوذ در این منطقه، به یکی از سیاست‌های راهبردی قدرت‌های جهانی تبدیل گردیده و حضور نظامی و اعمال نفوذ ایالات متحده آمریکا نیز در این منطقه در همین راستا تبیین گردیده است.

نگرانی جمهوری اسلامی ایران از حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، نه صرفاً به واسطه قدرت این کشور، بلکه به واسطه تهدیدی است که از دیگر عواملی چون نزدیکی جغرافیایی، قابلیت تهاجمی و نیت تجاوزکارانه ایالات متحده آمریکا در مناطق پیرامونی خود به خصوص در منطقه استراتژیک خلیج فارس نیز احساس می‌نماید. از این‌رو، بر اساس گزاره‌های چهارگانه نظریه موازنه تهدید، حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، تجلی‌گاه تهدیدهای راهبردی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران در راستای بازدارندگی حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، با بهره‌گیری بهینه از استراتژی عدم دسترسی، همواره به دنبال ایجاد موازنه تهدید در منطقه خلیج فارس در قبال تهدیدات حضور نظامی آمریکا بوده است تا از این طریق امنیت ملی خود را ارتقا بخشد.

جمهوری اسلامی ایران در راستای پیگیری دکترین عدم دسترسی، ضمن بهره‌برداری از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود در منطقه خلیج فارس، به افزایش قدرت نظامی خود در حوزه‌های دریایی، هوایی، زمینی و توسعه فناوری‌های پیشرفته موشکی نیز اهتمام ورزیده است. بهره‌برداری از راهبرد جنگ‌های نامتقارن، استفاده از نیروهای نیابتی و گروه‌های مقاومت شیعی، در کنار پیگیری دیپلماسی رفاقت با کشورهای منطقه خلیج فارس از دیگر اقدامات بازدارنده ایران در راستای بی‌اثر کردن حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس می‌باشد. همه این عوامل در کنار قدرت معنوی و روحیه دشمن‌ستیزی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ضمن موازنه‌سازی تهدیدات در سطوح عملیاتی منطقه خلیج فارس، باعث ارتقای قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس شده و حضور و نفوذ نظامی ایالات متحده آمریکا در پهنه شناوری منطقه خلیج فارس و یا در عرصه سرزمینی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس را با چالش‌های جدی مواجه نموده است و گامی موثر نیز در جهت ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

نقش جمهوری اسلامی ایران در یازداندگی حضور نظامی.../غفاری جراتی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

منابع

- ۱) اسدیان، امیر (۱۳۸۱). سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲) بزرگمهری، مجید (۱۳۸۳). آموزه‌های نظامی - امنیتی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس پس از جنگ عراق، الگوی احتمالی، مجموعه مقالات پانزدهمین سمینار خلیج فارس، جلد اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۳) حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۹۱). ماهیت قدرت هوایی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۴) دانلی، جک (۱۳۹۱). واقع‌گرایی در نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح... طالبی آرانی، تهران: نشر میزان
- ۵) رستمی، محمود (۱۳۷۸). فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران: ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۶) سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۶). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، مبانی و قالب‌های فکر، تهران: سمت
- ۷) طالبی، مهدی (۱۳۹۴). کاربرد پهپاد در مقابله با تهاجم احتمالی موشکی نیروهای فرماندهی علیه مراکز حیاتی کشور جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۸) لطفی، حیدر؛ حسین، رنجبر و ایمان نژاد، علی (۱۳۹۵). حضور آمریکا در حوزه خلیج فارس و تنش با ایران در استراتژی ۲۰۵۰ منطقه، مجموعه مقالات یازدهمین دوره همایش ملی علمی - فرهنگی خلیج فارس، تهران: جهاد دانشگاهی
- ۹) مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۴) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت
- ۱۰) نیکسون، ریچارد (۱۳۶۸). سال ۱۹۹۹ پیروزی بدون جنگ، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران: اطلاعات
- ۱۱) احمدیان، علی اکبر؛ پورصادق، ناصر و شریفان، محمداسماعیل (۱۳۹۷)، «راهبردهای توسعه بهره‌گیری از پهپاد در افزایش توان رزمی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، سال شانزدهم، شماره ۷۲، صص ۱۵۳-۱۷۶
- ۱۲) اکرمی نیا، محمد (۱۳۹۲)، «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره ۲، صص ۳۳-۶۰
- ۱۳) امیری، علی (۱۳۹۹)، «تبیین نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه ژئوپلیتیک، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۱۳۸-۱۸۲

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۵۶، یائیز ۱۴۰۰

۱۴) آدمی، علی و نورانی، سید امیر سینا (۱۳۹۸)، «موازنه تهدید در روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۱۴۴

۱۵) آشوری، غلامرضا؛ عزتی، عزت‌الله و مرتضایی، شیدا (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تاکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره دوم، صص ۱۹۲-۲۱۴

۱۶) پیری، سارمانلو، اژدر (۱۳۹۴)، «ژئوپلیتیک خلیج فارس، تهدیدها و فرصت‌های فراروی جمهوری اسلامی ایران». ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، شماره دوم، صص ۸-۱۲

۱۷) عباسی، مجید (۱۳۹۲)، «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین‌الملل». فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۱، صص ۱۷۶-۱۹۷

۱۸) عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷)، «سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای». نشریه سیاست دفاعی، شماره ۲۵، صص ۱۹-۴۸

۱۹) فیضی، سیروس (۱۳۹۰)، «منطقه نفوذ، راهبرد قدرت‌های بزرگ». فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۵، صص ۱۵۷-۱۹۴

۲۰) قاسمی، فرهاد و ماله‌میر احمد (۱۳۹۱)، «تاثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۱۰۰-۱۳۴

۲۱) کریمی، یوسف (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل بازدارنده آمریکا در تعرض به منافع امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس در سه دهه گذشته در بعد نیروی دریایی». فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۴۶-۷۸

۲۲) عباسی خوشکار، امیر (۱۴۰۰)، «بازدارندگی دریایی جمهوری اسلامی ایران در برابر رژیم صهیونیستی از خلیج فارس تا دریای مدیترانه». پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، رجوع شود به: <https://csr.ir/fa/news/1466>

۲۳) مشرق نیوز (۱۵ دی ۱۳۹۹)، «رونمایی ایران از مین ضد زیردریایی در آبهای خلیج فارس و تنگه هرمز». رجوع شود به: <https://www.mashreghnews.ir/news/1163237>

نقش جمهوری اسلامی ایران در بازدارندگی حضور نظامی.../غفاری چراتی، خداوردی و کشیشیان سیرکی

24) Amadeo, K (2019), Economic Power, Who Has It, How to Get It. Retrieved 2019/08/20, Available at: <https://www.thebalance.com/the-power-of-the-u-s-economy3306226>

25) Gunzinger, Mark & Dougherty, Chris (2011), Operating from Range to Defeat Iran's Anti-Access and Area-Denial Threats, Washington DC: Center for Strategic and Budgetary Assessments (CSBA)

26) Paul, Huth (1999), Deterrence and International Conflict: Empirical Findings and Theoretical Debates, annual Review, Political Science

27) The Heritage Foundation. (2019/10/30). "Middle East". Retrieved 2019/11/12, Available at: <https://www.heritage.org/militarystrength/assessing-the-global-operating-environment/middle-east>

28) Walt, Stephen M (2000), The Origins of Alliances. Ithaca N.Y: Cornell university press

یادداشت‌ها :

1 Stephen Walt

2 Balance of power

3 Balance of threat

4 Anti Access/Area Denial (A²/AD)

5 Center for Strategic and Budgetary Assessments (CSBA)